

بحران اقتصادی به کجا می‌رود؟

سخن روز 26 شهریور

بحران اقتصادی که از ابتدای سال ۹۷ با جهش هر روزه‌ی قیمت دلار و سکه آغاز شد هر روزانه ابعاد وسیع‌تری می‌یابد و خبرهای وحشتناک‌تری جامعه را ملتهب میکند به گونه‌ای که وحشت زدگی و هراس را میتوان در زندگی بسیاری از مردم مشاهده کرد. در این میان دو لتمدان نه تنها هیچگونه راه حلی برای معضلات اقتصادی نداشته بلکه دیگر روشن است که این وضعیت خواست آنان نیز بوده است! در آخرین تصمیم‌گیری‌های دولتی که بر کناری رئیس بانک مرکزی بود، چنین القا شد که سیاست‌های غلط این بانک سبب به هم ریختن اوضاع اقتصادی بوده است و نوید سیاست‌های جدید داده شد. اما فریب کاری این امر حتی چند روز هم دوام نیاورد و با انتصاب رئیس معزول در پست مشاور ارشد اقتصادی دولت دیگر حتی خواجه حافظ هم فهمید که این سیاست‌های اقتصادی که بحرانی فزاینده را هر روز بر زندگی مردم تحت ستم تحمیل میکند نه تنها مربوط به یک پست و مقام نبوده، بلکه کل سیستم حکومتی همین وضعیت را خواهانند.

وضعیتی که در آن نه تنها بحران چند برابر شدن طلا و دلار و ارزهای دیگر لجام گسیخته سر بر آسمان میساید و نشانگر سقوط هر روزه زندگی مردم تحت ستم و زحمتکش از یک طرف است بلکه با صدای بلند فریاد بر می‌آورد که ثروتمندان و قدرتمداران هر روز بر دارائی‌های خود می‌افزایند و اختلاس‌های کلان را تشدید میکنند تا اموال غارت شده را به دلار و سکه تبدیل کرده به آن طرف آب ببرند!

اما بحران در سطح سکه و دلار باقی نماند و به سرعت شاخه‌های خود را به تمامی بخش‌های زندگی کارگران و زحمتکشان و مردم تحت ستم گسترش داد. ابتدا کالاهای وارداتی یکی پس از دیگری در بازار نایاب شده و به تدریج با قیمت‌های چند برابر متناسب با جهش قیمت دلار و ارز وضعیت خود را بازیافت. این امر به معنای سه برابر شدن قیمت‌ها بود و به زبان اقتصادی یعنی تورم سیصد در صد!

با همه جار و جنجال‌ها و تکذیبیه‌های فراوان و پشتک و وارو زدن‌های به اصطلاح مسئولان اقتصادی نه تنها بحران اقتصادی متوقف نشد بلکه به سرعت خود را به مواد غذایی و حمل و نقل و کالاهای اساسی زندگی رساند؛ ابتدا به لبنیات و سپس پوشک و لوازم بهداشتی و سپس به کالاهای دیگر. به گونه‌ای که در روزهای اخیر صحبت از هجوم مردم به فروشگاه‌های بزرگ نقل محافل است تا برای خرید هر آنچه که در دسترس است، از غافله عقب نمانند. خرید برای ترس از نایاب شدن کالا. خرید برای مقابله با ترس و وحشت از قحطی. این یعنی یک بحران کامل و از میان رفتن هر گونه امید به اصلاح امور در آینده نزدیک.

در چنین شرائطی است که دولتمردان همانند بحران‌های گذشته تنها به فکر ایجاد رعب و وحشت بیشتر در میان مردم می‌افتند و گمان میکنند که با حاکم کردن جو ترس میتوانند از اعتراضات مردم جلوگیری کنند. اما این بار از بد حادثه سرکنگبین صفرا میافزاید! و نه تنها این اعدام‌ها دیگر رعب و وحشت ایجاد نمیکند بلکه به اعتصابات سراسری و اعتراضات بیشتر منتهی میشود. تنها

بهانه‌ای دیگر کافی است تا بار دیگر اعتراضات چند ماه گذشته تکرار شود و البته که دیگر بهانه نیست بلکه اصل اعتراض است که باید تکلیف را روشن کند. در این شرایط پرداختن به مسائل فرعی و ایجاد حاشیه در متن مشکلی را حل نخواهد کرد بلکه پرداختن به اصل اعتراضات هماهنگ است که میتواند به گونه‌ای ریشه‌ای این بحران را به نفع مردم تحت ستم حل کند. باید بدان پرداخت و نه چیزی دیگر.